



مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی
د ستراتژیکو او سیمه ییزو خبرنو مرکز

تحليل هفته

شماره: ۱۴۶ (از ۲۱ الی ۲۸ قوس ۱۳۹۴ هـ ش)

این نشریه مجموعه تحلیل رویدادهای مهم سیاسی و اقتصادی هفته وار است که به زبان های پشتو، دری، انگلیسی و عربی، توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی تهیه و نشر می گردد، تا نهادهای سیاست گذار از آن استفاده نمایند.

آنچه در این شماره می خوانید:

- مقدمه ۲

تاپی؛ پروژه های برای صلح و رفاه

- پس منظر پروژه تاپی ۴
- رقابت های منطقی ۴
- چالش های امنیتی ۵
- منافع پروژه تاپی برای افغانستان ۶

د شانگهای همکاری سازمان او پر افغانستان یی اغبزې

- د شانگهای-۵ سازمان مخینه او افغانستان ۹
- د شانگهای د همکاری سازمان ۹
- د افغانستان په لور د شانگهای سازمان لهواتیا ۱۰
- افغانستان او سیمه ییزه ډیپلوماسی ۱۱
- د شانگهای سازمان د لومړیو وزیرانو ۱۴ مه غونډه ۱۱

مقدمه

افغان ولسمشر اشرف غني، د ترکمنستان ولسمشر قربان قلي بردي محمدوف، د پاکستان لومړي وزير نواز شريف او د هند د ولسمشر لومړي مرستيال حامد انصاري، د دېسمبر په ۱۳ مه نېټه له دوو لسيزو انتظار وروسته، د ترکمنستان په ماري ښار کې د ټاپي پروژې پرانېسته وکړه.

د طبيعي گاز د انتقال دا پروژه د سيمې په کچه ستره پروژه بلل کېږي، چې يوه زياته برخه يې د افغانستان له هرات، فراه، هلمند او کندهار ولايتونو څخه تېرېږي او افغانستان به د گازو د دغې نلليکې د ترانزيت له کبله هر کال ۵۰۰ ميليون ډالره ترلاسه کوي. د دې ترڅنگ به لسگونه زره افغانانو ته د کار زمينه هم برابره شي. په دغه پروژه شاوخوا ۸.۵ مليارده ډالره لگښت راځي او نژدې نيمې دا پيسې به په افغانستان کې دننه ولگول شي.

د دې پروژې لومړۍ توافق نامه په ۲۰۱۰ کال کې لاسليک شوې وه، خو پر وړاندې يې د امنيتي ننگونو ترڅنگ د سيمه ييزو رقابتونو له امله، زيات خنډونه هم موجود وو او اوس هم د دغې پروژې د عملي کېدو پر وړاندې امنيتي ننگونې شته دي. له همدې کبله افغان ولسمشر د دغې پروژې د امنيت خوندي کولو لپاره د يوه ځانگړي ځواک د روزنې خبره وکړه. د دې پروژې د شاليد، پر وړاندې يې خنډونه او د افغانستان لپاره يې د مهمو گټو په اړه د دې اوونۍ په تحليل کې شننه شوې ده.

د تحليل په دويمه برخه کې په چين کې، د شانگهای سازمان د ۱۴مې غونډې په اړه لولۍ. د افغانستان اجرائيه رييس ډاکتر عبدالله عبدالله د دېسمبر په ۱۳ مه چين ته د شانگهای د همکاريو سازمان په ۱۴ مه غونډه کې د گډون لپاره په درې ورځني سفر ولاړ. دا غونډه د دېسمبر په ۱۴ مه او ۱۵ مه نېټه د چين په هينان ايالت کې جوړه شوې وه. چين، روسيه، تاجکستان، ازبکستان، قزاقستان، او قرغزستان د شانگهای د همکاريو د سازمان اصلي غړي او افغانستان، هند، مغولستان، ايران او پاکستان د دې سازمان څارونکي هېوادونه دي. د شانگهای سازمان او افغانستان متقابلې گټې او اغېزې څه دي؟ او د دغه سازمان وروستۍ غونډې د افغانستان لپاره څه لاسته راوړنې درلودې؟

د اوونۍ تحليل په دې گڼه کې پر همدغو موضوعاتو د ستراتيژيکو او سيمه ييزو څېړنو مرکز، د څېړنيزې څانگې شننې او څېړنې لولۍ.

تاپی؛ پروژه‌ی برای صلح و رفاه



بعد از سال‌ها گفتگوهای توأم با فراز و نشیب، سرانجام پروژه مهم انتقال گاز ترکمنستان به پاکستان و هند از طریق افغانستان، قدم مهمی به سوی عملی شدن برداشت. سران چهار کشور ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هندوستان طی یک مراسم ویژه، کار عملی این پروژه را با زدن کلنگ افتتاح کردند.

طول این پایپ‌لاین یک‌هزار و ۷۳۵ کیلومتر است که ۲۰۰ کیلومتر آن در داخل خاک ترکمنستان قرار دارد. این پایپ‌لاین از منطقه گازخیز "یولاتین جنوبی" در دولت‌آباد ترکمنستان آغاز می‌شود و از ولسوالی رباط سنگی ولایت هرات داخل خاک افغانستان گردیده و ۷۳۵ کیلومتر آن، از خاک افغانستان می‌گذرد. پایپ‌لاین این ظرفیت را خواهد داشت تا سالانه ۳۳ میلیارد متر مکعب گاز ترکمنستان را ظرف ۳۰ سال به کشورهای افغانستان، پاکستان و هند برساند.

توافق‌نامه کار این پروژه در ۱۱ دسامبر سال ۲۰۱۰ میلادی در عشق‌آباد پایتخت ترکمنستان میان مقامات بلندرتبه ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند به امضا رسید و کار سروی آن در سال ۲۰۱۴ خاتمه یافت.

پس منظر پروژه تاپی

طرح این پروژه در آغاز دهه ۹۰ قرن گذشته روی دست گرفته شد و در ابتدا کمپنی‌های بریداس از ارجنتاین و یونیکال از ایالات متحده آمریکا در به دست آوردن قرارداد احداث این پروژه، باهم به رقابت پرداختند. ترکمنستان امیدوار بود که با تامین امنیت در افغانستان، این پروژه شکل عملی به خود بگیرد. هواداران تیوری توطئه، سقوط حکومت مجاهدین به رهبری استاد ربانی و به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان را، نیز با همین پروژه مربوط می‌دانند. تلاش طالبان برای آغاز این پروژه با موانعی از جانب آمریکا چون حضور اسامه بن لادن در افغانستان و حقوق زن، مربوط ساخته شد و به تعویق افتاد.

با حمله آمریکا به افغانستان و سقوط حکومت طالبان، آمریکا کسانی را در افغانستان بر اریکه اقتدار نشانده که به شمول رئیس جمهور کرزی اکثر آنان مامورین سابق کمپنی یونیکال بودند. به صورت مشخص زلی خلیلزاد که خود نیز مدتی از مشاورین ارشد کمپنی یونیکال بود، در این انتصاب‌ها نقش اساسی داشت. بار دیگر شایعات انتقال گاز ترکمنستان از طریق افغانستان به جنوب آسیا به گوش می‌رسید که در آن شاید کمپنی‌های امریکایی نقش مهم خواهند داشت، اما جنگ آمریکا علیه آنچه که تروریسم خوانده شد، ناامنی‌های تازه‌ای را در افغانستان شکل داد و گسترش روزافزون این ناامنی‌ها، کار روی پروژه تاپی را به تعویق انداخت.

رقابت‌های منطقی

مهم‌ترین عامل تعویق احداث این پروژه ناامنی‌ها بود. پس از سال ۲۰۰۱ موجی از ناامنی‌ها ایالت بلوچستان را ناامن ساخت و حکومت پاکستان چندین عملیات نظامی را در این مناطق انجام داد که در یکی از آن عملیات‌ها اکبر بکتی رهبر بلوچ‌ها نیز کشته شد. از جانب دیگر، پس از سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ در جنوب افغانستان به خصوص در مناطقی که پایپ‌لاین تاپی از آن عبور می‌کرد، ناامنی‌ها آغاز شد. در کنار ناامنی‌ها، عدم موافقت بر سر قیمت خرید و فروش و فیس ترانزیت لوله گاز پروژه تاپی، در تعویق این پروژه نقش اساسی داشت. با وجود این عوامل، رقابت‌های منطقی نیز در تعویق پروژه تاپی نقش داشت.

از اوایل دهه ۹۰، ایران تلاش‌های زیادی را انجام داد تا با ارائه مشوق‌های زیاد، پاکستان و هند را از موافقت با پروژه «تاپی» منصرف سازد و آنان مسیر ایران را برگزینند، اما این تلاش‌ها قرین موفقیت نبود. دو کمپنی مطرح امریکایی علاقمند به ثمر نشستن پروژه گاز تاپی بود و حذف افغانستان از این پروژه و پیوستن ایران به آن، می‌توانست به عنوان

شکست منافع انرژی‌تیک امریکا تلقی شود، افغانستان و امریکا نگذاشتند تا مسیر تاپی عوض شود و افغانستان از این برنامه اقتصادی حذف گردد.

هرچند پاکستان و هند به شدت نیازمند انرژی اند، اما رقابت میان این دو کشور نیز در تعویق این پروژه موثر بود. پاکستان می‌خواست از نزدیکی افغانستان و هند جلوگیری نماید و به همین دلیل تمایل داشت تا به جای کابل، تهران وارد این حلقه شود و "تاپی" به "تی‌پی" تغییر داده شود. در این صورت، خط لوله انتقال گاز از خاک ترکمنستان از طریق ولایات شرقی ایران عبور می‌کرد و پس از آن به کوئته، مرکز ایالت بلوچستان وارد می‌شد. با این حساب، تغییر شکل پروژه ترکمنستان-افغانستان-پاکستان-هند به پروژه ترکمنستان-ایران-پاکستان-هند تبدیل می‌شد؛ امری که تهران سخت به آن علاقمند بود. حذف افغانستان از این مسیر می‌توانست پاکستان را در موقعیت بهتری برای وارد آوردن فشار بر هند قرار دهد.

ایران همچنان تلاش کرد تا گاز خود را با امضای یک قرارداد جداگانه از طریق یک خط لوله دیگر بنام ایران-پاکستان-هند (آی پی آی) به پاکستان و هندوستان انتقال دهد. اما این طرح نیز به تعویق انداخته شد و یکی از دلایل آن، تعزیرات اقتصادی امریکا علیه ایران بود.

هر کشوری که در مسیر عبور پایپ لاین‌های گاز و نفت قرار گیرد، با کنترل بر بخشی از ترانزیت انرژی از اهمیت استراتژیک برخوردار خواهد شد و خواهد توانست حتی در سرنوشت جهان نیز تاثیرگذار باشد. با گذشت هر روز چگونگی توزیع و تقسیم قدرت جهانی تحت تأثیر انرژی و مسیرهای انتقال آن در حال تغییر و دگرگونی است و افغانستان به عنوان مسیری که میان کشورهای تولید کننده انرژی از یک طرف و کشورهای نیازمند این منابع از جانب دیگر قرار دارد، نه تنها در منطقه بلکه در سطح جهانی نیز از اهمیت ویژه برخوردار خواهد شد.

چالش‌های امنیتی

نامنی‌ها در افغانستان مشکل بزرگی فراراه این پروژه قرار دارد، زیرا بخش بزرگی از این پایپ‌لاین از مناطقی می‌گذرد که تحت کنترل یا نفوذ طالبان است و اگر آنها بخواهند، این پروژه عملی نخواهد شد. به همین دلیل در تمام مراحل مذاکرات تاپی، با نماینده‌های طالبان نیز تفاهم صورت گرفت. ولی با در نظر داشت اینکه پروژه تاپی در بهبود وضع اقتصادی کشور و فراهم شدن فرصت شغلی برای ده‌ها هزار تن، یک پروژه مهم ملی تلقی می‌گردد، طالبان نیز با این

پروژه برخورد نرم و متفاوت از پروژه‌های دیگر خواهد داشت. در کنار این، طالبان هراس خواهند داشت که اگر به دلیل ممانعت طالبان این پروژه از عملی شدن باز ماند، "قدرت نرم" آنان به شدت صدمه خواهد دید.

در آخرین دور از مذاکرات نیز نمایندگان دفتر سیاسی طالبان در قطر به ترکمنستان مسافرت کردند و با مقامات ترکمن ملاقات داشتند. سال گذشته نیز یکی از سخنگویان طالبان بعد از ختم سروی این پروژه گفته بود که طالبان توافق کرده‌اند تا از حمله به این پروژه خودداری ورزند. مقامات امنیتی افغان از ایجاد یک نیروی ویژه برای تامین امنیت این پروژه سخن گفته‌اند، اما در شرایطی که بخش بزرگی از افغانستان درگیر جنگ و با مشکل دست به دست شدن ولسوالی‌ها میان حکومت و طالبان مواجه است، تامین امنیت 735 کیلومتر ساختمان پایپ‌لاین نیازمند ده‌ها هزار نیروی نظامی می‌باشد که از توان حکومت افغانستان خارج است. بنابراین تاپی برای طالبان نیز منافع فوق‌العاده‌ای را هم در بخش مالی و هم وجهه آنان در سطح بین‌المللی به دنبال خواهد داشت.

اما غیر از چالش‌های امنیتی، عدم وجود یک حکومتداری خوب در افغانستان و وجود فساد اداری گسترده در این کشور نیز می‌تواند مشکلی در راه تطبیق این پروژه به شمار آید. همین شرایط موجب شد تا در طول چهارده سال گذشته از ده‌ها میلیارد دالر کمک جامعه جهانی به افغانستان، استفاده بهینه صورت نگیرد.

مسیر پایپ‌لاین از ولایت‌های هرات، هلمند و قندهار است که سپس وارد بلوچستان پاکستان گردیده و بعد از عبور از ملتان وارد خاک هندوستان می‌شود. این مسیر نه تنها در افغانستان بلکه در پاکستان نیز از نظر امنیتی به مشکل مواجه است. جدایی طلبان بلوچ در این منطقه فعال‌اند که گاهی به پایپ‌لاین گاز خود پاکستان نیز عملیات تخریبی انجام می‌دهند. وعده تامین امنیت این مسیر را پاکستان داده است.

منافع پروژه تاپی برای افغانستان

موقعیت افغانستان به عنوان پل ارتباطی میان کشورهای آسیای میانه و جنوب آسیا با این پروژه برجسته می‌شود. این پروژه را در شرایط فعلی می‌توان آزمونی دانست که اگر به موفقیت بیانجامد، پروژه‌های بزرگ بعدی را نیز به دنبال خواهد داشت و وضع افغانستان را در 20 سال آینده یکسره دگرگون خواهد ساخت.

منافع سالانه این پروژه بعد از سپردن به بهره‌برداری، برای افغانستان سالانه حدود 500 میلیون دالر خواهد بود اما قبل از بهره‌برداری نیز به طور مستقیم و غیر مستقیم برای حدود 50 هزار کارگر افغان فرصت اشتغال را فراهم خواهد آورد. بلند

رفتن عواید موجب تحرک در اقتصاد افغانستان شده و تاثیرات مثبت غیر مستقیم نیز روی مجموع اقتصاد افغانستان از خود برجا خواهد نهاد.

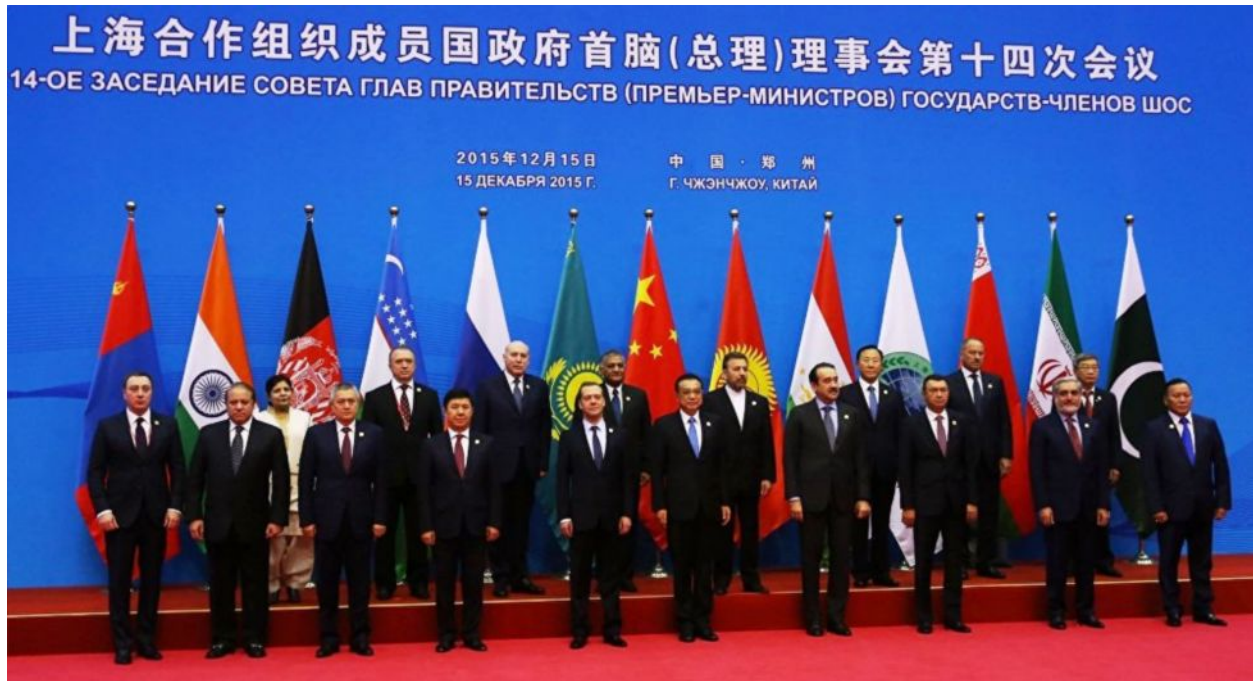
این پروژه نقش افغانستان را در معادلات اقتصادی منطقه به حیث شریک استراتژیک این کشور از یک طرف و کنترل مهم‌ترین پایپ‌لاین گاز در آسیا از طرف دیگر ارتقا خواهد بخشید. امریکا می‌خواهد عواید این پایپ‌لاین وابستگی افغانستان به کمک‌های امریکا را کاهش بخشد.

هرچند هدف اصلی از پروژه تاپی، انتقال گاز ترکمنستان به پاکستان و هندوستان است اما طبق قرارداد، افغانستان هم می‌تواند از این گاز برای مصارف ولایاتی که در مسیر پایپ‌لاین قرار دارند استفاده نماید. از جانب دیگر اگر افغانستان در آینده بتواند منابع گاز خود را استخراج نماید، این امکان را خواهد داشت تا گاز خود را نیز از این خط لوله به پاکستان و هند صادر نماید و یا اینکه در نقطه‌ای گاز خود را داخل این لوله نموده و در جای دیگر از مسیر در داخل کشور از آن برای استفاده داخلی استفاده نماید.

یکی از دست‌آوردهای مهم این پروژه در صورت موفقیت، می‌تواند تامین صلح و ثبات به خصوص در مناطقی باشد که این پایپ‌لاین از آنجا می‌گذرد. مسیری که می‌توان از آن به عنوان مسیر صلح نام برد و امکان دارد تا در مناطقی از مسیر این پایپ‌لاین شرایطی را بوجود آورد که حتی مذاکرات صلح بدور از دخالت خارجی‌ها میان دولت و مخالفین مسلح صورت گیرد.

این پروژه می‌تواند جنگ نیابتی میان کشورهای منطقه در افغانستان را به همکاری‌های اقتصادی تغییر جهت دهد و همگرایی منطقوی را تقویت نماید. گره خوردن منافع اقتصادی کشورها توسط این پروژه، به صلح و ثبات در افغانستان کمک خواهد کرد و امکان تصفیة صلح‌آمیز بحران افغانستان را بیش از پیش در اولویت برنامه‌های کشورهای منطقه قرار خواهد داد. پس بیجا نیست که این پایپ‌لاین را خط لوله صلح هم نامیده‌اند.

د شانگهای همکاری سازمان او پر افغانستان يي اغېزې



د شانگهای همکاری سازمان د غړو هېوادونو استازي د دېسمبر په ۱۴ مه او ۱۵ مه نېټه، د دغه سازمان د لومړيو وزيرانو په ۱۴ مه غونډه کې د چین د هينان ايالت په ژنگزو نومي ښار کې سره جرگه شوي وو. د افغانستان اجرائیه رييس ډاکتر عبدالله د يوه پلاوي په مشرۍ، په دې غونډه کې گډون کړی و.

د دغه سازمان مخينه د افغانستان له حالاتو سره مستقیمه اړیکه لري او په وروستيو پنځو کلونو کې هم د افغانستان په لور د دغه سازمان پاملرنه، اندېښنې او لېوالتيا زیاته شوې ده. په سیمه کې د دغه سازمان ارزښت ته په کتلو سره افغانستان هم په دې وروستيو کې د دغه سازمان د بشپړ غړیتوب ترلاسه کولو غوښتنې وکړې.

د افغانستان اجرائیه رييس د دغه سازمان د وروستۍ غونډې په څنډو کې د روسیې، چین، قزاقستان او تاجکستان له لومړيو وزيرانو او په بهرنیو چارو کې د هند د دولت له وزیر سره هم ملاقاتونه درلودل.

دا چې د شانگهای همکاری سازمان او افغانستان پر یو بل د اغېزو مخینه څه ده؟ د افغانستان په لور د شانگهای سازمان د لېوالتيا عوامل څه دي؟ او په ټوله کې په وروستيو کلونو کې د افغانستان سیمه ییزه ډیپلوماسي څه ډول وه؟ دلته پرې شننه شوې ده.

د شانگهای-۵ سازمان مخينه او افغانستان

پر افغانستان د شورويانو له يرغل سره په هېواد کې د سيمه ييزو او نړيوالو هېوادونو لاسوهنې په زياتېدو شوې او د شورويانو له وتلو سره هم دغه لاسوهنې تم نه شوې، بلکې لا زياتې شوې. د دغو لاسوهنو لامل دا و، چې د شورويانو د يرغل پرمهال په افغانستان کې ډېری هېوادونه پر دوو بلاکونو وېشل شوي وو: الف: شوروي پلوي هېوادونه؛ ب: مجاهدين پلوي هېوادونه. له همدې کبله جگړه هم په عمومي ډول د همدغو دوو بلاکونو ترمنځ وه؛ خو د شورويانو له وتلو سره جگړې نوې اړخ خپل کړ او د مختلفو هېوادونو د نيابتي ډلو ترمنځ جگړه پيل شوه. هغه مهال جگړه يوازې د دوو بلاکونو ترمنځ نه، بلکې د سيمې د ډېرو رقيبانو ترمنځ پيل شوه. په افغانستان کې د همدغې نيابتي جگړې له کبله کورنۍ جگړه پيل شوه او په نړۍ کې په اصطلاح د «افراطيت، تروريزم، مخدره توکو، بيلتون پالو» د ټاټوبي په نوم مشهور شو.

د سيمې پنځه هېوادونه په ۱۹۹۶ کال کې د افغانستان د حالاتو تر اغېزو لاندې راټول شول او د شانگهای-۵ سازمان بنسټ يې کېښود. دغه پنځه هېوادونه: چين، روسيه، قزاقستان، قرغزستان او تاجکستان وو؛ ځکه هغه مهال له دغو پنځو هېوادونو څخه درې هېوادونه د افغانستان له حالاتو څخه اغېزمن شوي وو. روسيه د قفقاز او بوسنيا د مسلمانانو له پاڅون سره مخ شوې وه، په تاجکستان کې د اسلامي نهضت او د تاجکستان د پخوانيو کمونستانو ترمنځ کورنۍ جگړه پيل شوې وه او په چين کې هم د ختيځ ترکستان گوند پاڅون کړی و.

د دې ترڅنگ د دغه سازمان د جوړېدو نور لاملونه د «بريژنيسکي د يوروشيا تيورۍ» باندې عمل او په پوست سره جگړه کې د امريکايانو پرضد يو جيو-پوليتيکي اتحاد جوړول هم وو.

په پيل کې په عمومي توگه د دغه سازمان موخه د غړو هېوادونو ترمنځ باور جوړونه او د پولو غير نظامي کول وو؛ خو وروسته بيا په سيمه کې د توندلارۍ، ترهگرۍ او بېلتون پالنې پرضد مبارزه هم د دغه سازمان په اهدافو کې شامل شول.

د شانگهای د همکارۍ سازمان

په ۲۰۰۱ کال کې د شانگهای-۵ سازمان کې د ازبکستان له غړيتوب سره، دغه سازمان خپل نوم د شانگهای د همکارۍ په سازمان بدل کړ. په ۲۰۰۴ کال کې يې منگوليا ته د څارونکي څوکۍ ورکړه، په ۲۰۰۵ کال کې هند او پاکستان هم د دغه سازمان څارونکي شول او په ۲۰۱۲ کال کې د چين په مرسته افغانستان هم د دغه سازمان څارونکی شو.

په ۲۰۱۵ کال کې د شانگهای د همکارۍ سازمان پراخ کړل شو او پاکستان او هند ته غړیتوب ورکړل شو او نښايي چې په ۲۰۱۶ کال کې د شانگهای د همکارۍ سازمان د غړو په توگه کار پيل کړي.

دا مهال د شانگهای د همکارۍ سازمان د يوه فورم په توگه کار کوي، خو د دغه سازمان د هېوادونو ترمنځ باورجوړونه رامنځته، د گاونډيتوب اړيکې پياوړې کړي او د سياست، تجارت، اقتصاد، کلتور او معارف، انرژۍ او ترانسپورت په برخو کې همکارۍ زياتې کړي.

د افغانستان په لور د شانگهای سازمان لېوالتيا

په ۹۰مه لسيزه کې د (شانگهای-۵) سازمان په غونډو کې د افغانستان د حالاتو په اړه څرگندونې وشوې. د ۱۹۹۸ کال د جولای په مياشت کې د دغه سازمان د غړو هېوادونو، د بهرنيو چارو وزيرانو په غونډه کې د افغانستان د حالاتو په اړه «اندېښنه» څرگنده کړه. وروسته بيا د ۱۹۹۹ کال د اگست په مياشت کې د دغه سازمان په سرمشريزه غونډه کې د افغانستان د وضعيت په اړه «ژوره اندېښنه» څرگنده شوه او د ۲۰۰۰ کال د مارچ په مياشت کې هم د دغه سازمان د دفاع وزيرانو په غونډه کې د افغانستان حالات د «ژورې اندېښنې» وړ وبلل شول.

له ۲۰۰۱ کال وروسته، چې کله په افغانستان کې د امريکايانو تر ملاتړ لاندې د نوي نظام بنسټ کېښودل شو، د شانگهای د همکارۍ سازمان نه يوازې دا چې د سپتمبر ۱۱مې پېښې وغندلې بلکې د امريکايانو له "تروريزم" ضد جگړې څخه يې هم ملاتړ اعلان کړ. د شانگهای د همکارۍ سازمان يو شمېر غړو لکه ازبکستان او تاجکستان امريکا ته پوځي اډې ورکړې. له ۲۰۰۴ کال وروسته، په افغانستان کې د مخدره توکو د پيداوارو له زياتېدو او د "توندلاری" او "تروريزم" د خپرېدو د ویرې له کبله، د شانگهای د همکارۍ سازمان په ۲۰۰۵ کال کې د افغانستان په اړه يو ارتباطي گروپ جوړ کړ. په افغانستان کې د ناامنيو او بې ثباتيو له زياتېدو سره، د شانگهای د همکارۍ سازمان د افغانستان په اړه يو نړيوال کنفرانس راوغوښت او وروسته يې په ۲۰۱۲ کال کې افغانستان ته د څارونکي څوکۍ هم ورکړه.

د افغانستان په تړاو د شانگهای د همکارۍ سازمان دغه زياتېدونکې لېوالتيا، د سازمان د غړو هېوادونو په اند د مخدره توکو، قاچاق، تروريزم، افراطيت او بيلتون پالنې د ویرو له کبله زياته شوه.

افغانستان او سیمه ییزه ډیپلوماسی

په عمومي ډول د افغانستان بهرنی سیاست له ۲۰۰۹ کال راهیسې د بدلون په حال کې دی، خو په مشخصه توګه د اشرف غني له راتګ وروسته بهرنی سیاست د سیمه ییزې ډیپلوماسۍ په لور روان شو. د منځنۍ آسیا له هېوادونو سره نږدې اړیکې (کاسا-۱۰۰۰ او ټاپي پروژې)، له پاکستان او چین سره نږدې اړیکې، له هند او روسیې څخه د وسلو رانیول او د یمن په قضیه کې له سعودي څخه ملاتړ، هغه قضیې دي چې د هېواد بهرنی سیاست یې د تېرو کلونو په پرتله په سیمه ییز سیاست کې ډېر ښکېل کړی دی.

د ریکا او آسیا زړه کنفرانس په لور ډېره پاملرنه، د چین د اسیایي بانک او د شانګهای د همکارۍ سازمان د غړیتوب غوښتنې هم د دغې سیمه ییزې ډیپلوماسۍ وروستۍ بېلګې دي.

د شانګهای سازمان د لومړیو وزیرانو ۱۴ مه غونډه

د افغانستان د اوسنیو حالاتو له کبله کابل ته د شانګهای د همکارۍ سازمان ارزښت زیات شوی او همدا راز د همدغه وضعیت له کبله د شانګهای د همکارۍ سازمان هم په وروستیو کلونو کې د افغانستان په لور پاملرنه زیاته کړې ده. له همدې ځایه ده، چې دغه کنفرانس افغانستان ته مهم و.

دا چې د افغانستان لپاره د دغه کنفرانس ارزښت په څه کې وو، مهم لاملونه یې دا دي:

- **د شانګهای د همکارۍ سازمان د غړیتوب غوښتنه:** په دغه کنفرانس کې افغانستان د شانګهای د همکارۍ سازمان د بشپړ غړیتوب ترلاسه کولو غوښتنه وکړه، چې دا به بیا په امنیتي، اقتصادي او ډیپلوماسۍ برخو کې پر افغانستان اغېزې ولري.
- **له چین سره دوه اړخیزې اړیکې:** د چین مرستیال ولسمشر کابل ته د سفر پر مهال، د افغانستان اجرائیه رییس ډاکټر عبدالله ته په دغه کنفرانس کې د گډون او چین ته د ورتګ بلنه ورکړه. چین ته د سفر پر مهال اجرائیه رییس د چین له لومړي وزیر "لي کيچانگ" سره ولیدل. دغې ناستې درې مهمې برخې لرلې: **لومړۍ:** د افغانستان او چین د دوه اړخیزه اړیکو پیاوړتیا؛ **دویم:** د افغانستان د سولې پروسه؛ **درېم:** پانگونه.

په دغه ناسته کې افغان لوري یو ځل بیا د سولې په پروسه کې پر پاکستان د فشار په توګه له چین څخه وغوښتل، چې «له خپل نفوذ څخه په مثبتې گټې اخیستنې سره د سیمې هېوادونه [پاکستان] له

افغانستان سره صادقانه همکاريو ته چمتو کړي». چين يو ځل بيا د افغانستان له سولې پروسې څخه ملاتړ وکړ او د افغانستان ثبات يې د چين ثبات وبله. همدا راز د پانگوني په برخه کې افغان لوري د شته فرصتونو په اړه خبرې وکړې او ټينگار يې وکړ، چې چين دې د اوبو، انرژۍ او د لارو جوړولو په برخه کې پانگوني وکړي. د چين لومړي وزير ژمنه وکړه؛ خو ترڅنگ يې غوښتنه وکړه چې افغان حکومت دې د چينايي کارگرو او پانگوالو د ساتنې او هغوی ته د لازمو اسانتياوو د برابرولو لپاره اړين گامونه واخلي.

- **د سيمي له هېوادونو سره اړيکې:** د دې ترڅنگ د دغه کنفرانس په څنډو کې ډاکتر عبدالله د سيمي د يو شمېر هېوادونو له لومړيو وزيرانو سره هم وليدل او د اړيکو پر نږدې کولو يې خبرې وکړې. د قزاقستان لومړی وزير کابل ته راوبلل شو. له روسيې سره پر امنيتي او اقتصادي همکاريو خبرې وشوې او همدا راز له تاجکستان او هند سره هم د اړيکو په رغولو خبرې وشوې.

پای



ارتباط با ما:

ایمیل: csrskabul@gmail.com info@csrskabul.comوب سایت: www.csrskabul.net - www.csrskabul.com

شماره تماس دفتر: (+93) 784089590

ارتباط با مسئولین:

دکتور عبدالباقي امين، رئيس مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی: abdulbaqi123@hotmail.com (+93) 789316120حکمت الله ځلاند، مسؤل تحقیقات و نشرات: hekmat.zaland@gmail.com (+93) 775454048

یادآوری: لطفا نظرات و پیشنهادات خود را جهت بهبود مطالب این نشریه به ما ارسال دارید.